بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج اصول استاد سید محمدجواد شبیری 11 آبان 1394

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین. الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و اله الطاهرین. و لعن علی اعدائهم اجمعین من الان الی قیام یوم الدین.

خب مقدمات دلیل انسداد را صحبت می کردیم. مقدمه چهارم این بود که فرمودند احتیاط، مقدمه چهارم از چند بخش تشکیل شده بود. یکی از بخش هاش که صحبت می کردیم این بود که در جمیع اطراف شبهه نمی شود احتیاط کرد. خب اینکه نمی شود احتیاط کرد یعنی واجب نیست احتیاط کردن بلکه جایز نیست احتیاط کردن دو بیان داشت یکی بحث اختلال نظام یکی بحث قاعده لا حرج که اینجا تطبیق میشود در مورد قاعده لا حرج دیروز صحبت کردیم که آیا مبانی اولا تفسیرهای مختلفی که از لا ضرر هست آیا بعینه در لا حرج پیاده میشود یا خیر اشاره کردیم که اینها دو تا بحث جدا هست و اینجور نیست که لا ضرر را اگر نفی حکم به لسان نفی موضوع گرفتیم یا نفی سبب به لسان نفی مسبب گرفتیم لا حرج را هم باید همونجور معنا کنیم و ادله اینها فرق دارد و نکاتش مختلف است. ثانیا در خود آن لا ضرر هم اینکه بین مبانی مختلف فرق بگذاریم این به نظر نمیرسه که یک الزامی به این باشد که اگر ما نفی حکم به لسان نفی موضوع بگیریم حتما در ما نحن فیه بگوییم لا حرج نمیاد نفی مسبب اون نفی سبب به لسان نفی مسبب بگوییم می آید. اینها خیلی ملازمه ندارد ممکن است در هردو اینجور باشد که حکم واحد را جاری کنیم. عرض کردیم که به نظر ما درواقع این یک بحث استظهاری است و تناسبات حکم موضوع اقتضا می کنه که این تعمیم داشته باشد. در واقع شارع مقدس می خواهد بگوید که در شریعت مقدسه به خاطر امتثال احکام حرجی متوجه مکلّفین نمیشود خب حالا این اجمالی از بحث دیروز.

حالا از این مراحل بگذریم یک نکته کلی ای را عرض کنم در بحث لا حرج و لا ضرر گاهی اوقات می گویند لا ضرر ناظر به احکام شرعیه ای است که ضرر دارد و چون وجوب امتثال احراز قطعی امتثال این حکم شرعی نیست یک حکم عقلی است. بنابراین لا ضرر هم ناظر به احکام شرعیه است به این بیان گفته اند این ما نحن فیه را نمیگیره. خب اینجا یک بحث این مطرح است که آیا تنجیز علم اجمالی به حکم عقل است؟ اگر ما تنجیز علم اجمالی را به حکم عقل دانستیم ممکن است این بیان را بیاوریم. ولی روی مبنای حاج آقا که تنجیز علم اجمالی را به حکم عقل نمی دانند در واقع ناظر به حکم شرع می دانند در واقع اینجا خب روشن است که لا حرج می تواند آن منشأ تنجیز علم اجمالی را که حکم شرع به فعلیت احکام واقعیه است آن را مرتفع کند. این یک نکته.

نکته دوم این اساسا آیا این مطلب گاهی اوقات به طور کلی یک ادعایی میشود میگویند تنزیلات شرعیه ناظر به احکام شرعیه است. احکام شرعیه ای که وجود داشته باشد این را بر یک شی می خواهد بار کنه آیا این مطلب درست است؟ این مطلب به طور کلی درست نیست که حتما، ما در تنزیلات شرعیه یک منزّل داریم یک منزّل علیه. اینکه شرعی بودن تنزیل این هست که حکمی را برای منزّل می خواهیم بار کنیم و این حکم باید شرعی باشد حکمی که برای منزّل، ولی ممکن است ما در واقع یک حکم عقل را حالا بحث در خصوص ما نحن فیه نیست ها بحث کلی می خواهم بگم گاهی اوقات تصور میشود که تنزیلات شرعیه حتما باید منزّل الیه آن یک حکم شرعی باشد در حالی که

یعنی به این معنا ما می گوییم که بر منزّل آن حکمی که شرعا بر منزّل الیه است بر منزّل بار می کنیم. این الزاما لازم نیست همیشود اینجور باشد. ما گاهی اوقات حکمی که عقلا بر منزّل الیه هست بر منزّل بار می کنیم مثلا فرض کنید که تنجیزی که عقلا برای قطع هست شارع میاد این را برای ظن بار می کنه. اینکه میگوید الظنّ کالقطع. الظنّ کالقطع نه اینکه قطع لازم نیست حکم شرعی داشته باشد که ما بخواهیم با تنزیل احکام قطعی ای که احکامی که شرعا روی قطع رفته است روی ظن بار کنیم. نه ممکن است آن حکمی که عقلا برای قطع هست مشابه آن را برای ظن بار کنیم. فرض کنید که لزوم امتثالی که عقلا برای قطع عقل انسان حکم می کنه. ما بگوییم ظن هم لزوم امتثال دارد. تنجیز معذریّت منجّزیت اینهایی که عقلا برای قطع هست برای ظن هم بار بشود. چون این خیلی مهم است گاهی اوقات ما نحن فیه خیلی وابسته به این بحث نیست ولی به طور کلی اینکه ما در تنزیلات شرعیه حتما منزّل الیه ما باید یک حکم شرعی داشته باشد و حکم شرعی ای که برای منزّل الیه باشد ما برای منزّل بخواهیم بار کنیم. این یک قانون کلی نیست بستگی به استظهارات ادله دارد. و اگر یک جایی حکم ظاهری که برای منزّل الیه هست حکم عقلی باشد مانعی ندارد ما بگوییم که آن حکم رو، یا عقلایی باشد فرض کنید که عقلا مادر را میگویند که شما باید احترام کنید. شرع میگوید مادر رضایی هم مثل مادر نسبی است. یعنی همون احتراماتی که عقلا برای مادر نسبی لازم است همون را برای مادر رضاعی هم شما بار کنید. یعنی آن چیزی که مقوّم تنزیل شرعی است این هست که حکم شرعی بر منزّل بار کنیم. اما این حکم شرعی بر منزّل به اعتبار این هست که منزّل الیه اش هم حکم شرعی دارد یا یک حکم عقلی یا یک حکم عقلائی دارد که مشابه آن را ما شرعا برای منزّل بار میکنیم این شقّ دوم صحیح است. بنابراین اینها به طور کلی در این بحث ها باید مد ّنظر داشت. حالا از این جهت بگذریم. در خلاصه کلام در بحث تنجیز علم اجمالی یا به جهت این هست که یعنی شدّت اهتمام شارع را یعنی با توجه به نکاتی که در بحث قبلی گفتیم یک موقعی هست ما علم اجمالی را ذاتا منجّز نمی دانیم تنجیزش را وابسته به شدّت اهتمام می دانیم که شدّت اهتمام خب یک امر شرعی است بنابراین ممکن است شارع مقدس در موارد حرج بگوید من انقدر شدت اهتمام ندارم.

سوال: خود تنجیز شرعی نیست ولی شدت اهتمام ....

پاسخ: نه شدّت اهتمام نه تنجیزش هم شرعی است. نه تنجیزش هم به خاطر این هست که شارع یک موقعی هست شما علم اجمالی را ذاتا منجّز میدانید عقلا خب حالا اون یک حرفی. ولی این لزوم امتثال الزاما به خاطر علم اجمالی ای که عقلا منجّز باشد ممکن است نباشد. ممکن است تنجیز بخاطر یعنی لزوم امتثال احکام واقعیه به جهت این باشد که شارع شدت اهتمام دارد

سوال: میدونم می خوام بگم شدت اهتمام شرعی ولی عقل است که از اون شدت اهتمام لزوم امتثال را می فهمه

پاسخ: نه عقل هم نه خود شرع از شدت اهتمام کشف می شود که حکم ظاهری به وجوب احتیاط. (سوال: یعنی از روایتش....) نه حالا به روایتش کاری نداریم. شدت اهتمام همچنان که مرحوم آخوند فرمودند از شدت اهتمام وجوب احتیاط شرعی استفاده میشود.

سوال: همون از شدت اهتمام کشف میشود...

پاسخ: حالا اون مثلا از مخالفت کثیره نمیدونم اجماع امثال اینها مرحوم آخوند عرض من این است که مرحوم آخوند که اینجا می خواهند بفرمایند ما اینجا دیگه قاعده لا حرج نمیاد نه. قاعده لاحرج در صورتی نمیاد شما علم اجمالی را حکم عقل منجّز بدانید. ولی اگر روی مبنایی که علم اجمالی را منجّز نمیدانید روی آن مبنا لزوم تعرّض به احکام واقعیه را از کجا در آوردین؟ خود مرحوم آخوند دارند دیگه میگویند که از شدت اهتمام به شرع کشف می کنیم که وجوب احتیاط ظاهری اش را شارع جعل کرده و این وجوب احتیاط ظاهری مقتضی وجوب احتیاط در جمیع اطراف شبهه است. این وجوب احتیاطی که مقتضی اش است این را ممکن است لا حرج نفی کند. لا حرج لازم نیست حتما ناظر به احکام واقعیه باشد. لا حرج می تواند ناظر به احکام ظاهریه باشد. یکی از احکام ظاهریه وجوب احتیاط هست که وجوب احتیاطی که ناشی از شدت اهتمام هست وجوب احتیاط شرعی است. وجوب احتیاط شرعی هست و امثال اینها. پس بنابراین اگر ما بحث وجوب احتیاط شرعی را پاشو کشیدیم که اینجا دیگه بحث، که مرحوم آخوند در واقع به این مطلب اشاره می کند در ضمن بحث هاشون که ما از وجوب احتیاط شرعی اگر کأن بحث رو،یک عبارتی دارد که اون عبارتش ممکن است بازگشت به همین عرض ما داشته باشد. حالا

یک بحث روی این مبنایی که مرحوم آخوند پیش بردند. یعنی بنابراین تمامیت مبنای مرحوم آخوند مبتنی بر این هست که ما علم اجمالی را عقلا منجّز بدانیم ولی اگر نه مقتضی برای تعرض و احکام واقعیه و عدم اجرای برائت در جمیع اطراف را این بحث لزوم احتیاط بدانیم که شرعا آن را کشف کردیم خب این بیانات نمیاد. همچنین اگر را مبنای حاج آقا که لزوم احتیاط را از باب ادله خاصه می دانند روایاتی که القای خصوصیت از روایت خاصه. این ممکن است ما اینجور بگوییم که اگر ما بودیم و ادله ای که در اطراف علم اجمالی در موارد خاصه احتیاط را لازم کرده بود ازش القای خصوصیت می کردیم ولی لا حرج اقتضا می کند در جایی که در تمام اطراف اگر بخواهید احتیاط کنید حرجی هست آن دیگه لازم نباشد. یعنی به این تعبیر عرض کنم که اگر لا حرج نبود ممکن است القای خصوصیت می شد ولی با لا حرج دیگه القای خصوصیت نمی شود. با وجود حکم شرعی به لا حرج القای خصوصیت از موارد خاصه نسبت به، به تعبیر دیگه اینجور بگم مواردی که علم اجمالی منجّز دونسته شده در شرع مواردی هست که حرج پیش نمیاد خودش. مواردی که حرج پیش بیاد اون مواردی است که نمیشود القای خصوصیت کرد. بنابراین وقتی نشد القای خصوصیت کرد علم اجمالی منجّز نخواهد بود و منجّز نخواهد بود احتیاط لازم نیست .خب حالا بحث این است که اگر احتیاط لازم نباشد

سوال: این هم یک بیان دیگه ای از اون تقریر اولتون که فرمودید دیگه، همون بحثی که فرمودید که اصلا اقتضای روایت میگوید که عدم تنجیز را اصلا علم نمیدانند. دوتا بیان داشتید دیروز دیگه یکی اینکه اصلا نمی گیره روایات علم اجمالی این رو، همین است دیگه همین دیروزیه

پاسخ: در واقع بحث این هست که دیروز که بیان می کردم ادله برائت، بحث سر ادله برائت بود. یک بحث این بود که ادله برائت این موارد را نمی گیره اینجا دیگه به ادله برائت کاری نداریم. ربطی به اون بحث ندارد. القای خصوصیت از ادله علم اجمالی نسبت به مواردی که عرض کنم خدمت شما حرج پیش میاد نمیشود کرد.

خب حالا آیا یک بحثی اینجا البته یک بحث مهمی اینجا در بحث دلیل انسداد هست که آیا نتیجه دلیل انسداد حجّیت ظن هست یا نتیجه دلیل انسداد تبعیض در احتیاط؟ مرحوم شیخ انصاری در واقع و به تبع مرحوم نائینی اینها میخواهند بگویند که عمده اش مرحوم شیخ انصاری، مرحوم شیخ انصاری می خواهند بفرمایند که دلیل انسداد نتیجه اش تبعیض در احتیاط است نه حجیت ظن پس اینی که ما با دلیل انسداد بخواهیم حجیت ظن را استفاده کنیم این مطلب درست نیست. حالا اینها اجمالا ببینیم آیا روی مبانی حاج آقا نتیجه اش چه می شود و روی مبانی قوم هم فرق بین تبعیض در احتیاط با حجیّت ظن چی هست؟ یعنی چه اثری دارد این دو تا مبنا این را انشاءالله فردا در موردش صحبت می کنیم

حالا یک اجمالی از این بحث

سوال: حاج آقا اگر کسی تبعیض در احتیاط را گفت، اصلا دیگه به انسداد کشیده نمیشود؟ که بخواد...

پاسخ: نه، مقدمات انسداد نتیجه اش حجیت ظن نیست. نه، انسداد کشیده میشود. انسداد منشأ میشود که احتیاط کامل واجب نباشد بلکه احتیاط ناقص و خب احتیاط ناقص می خواهیم بگوییم فرق دارد با حجیت مظنّه لازمه اش حجّیّت مظنّه نیست. حالا این بیانی هست که مرحوم شیخ دارند. حالا تفاوت هایی بین این تبعیض احتیاط و حجیت ظن را عرض می کنم و یک سری، حالا مرحوم آقا ضیاء مفصل احتمالات مختلف مرحوم آقای صدر احتمالات مختلف در مورد تبعیض احتیاط را امثال اینها مطرح کرده اند من نمی خواهم وارد اون بحث های تفصیلی که آقایون مطرح کرده اند بشوم. اجمالی از بحث تبعیض در احتیاط را عرض می کنم و در مورد آن انشاءالله فردا صحبت می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

اللهم صل علی محمد و آل محمد (و عجل فرجهم)